

رادیو

تفاوتها

سیاست‌های برای بزرگداشت

گفتگو با حجت الاسلام دکتر حسام‌الدین آشنا
عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

حسام‌الدین آشنا، کارشناس ارشد معارف اسلامی و تبلیغ دانشگاه امام صادق (ع) و دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات در همین دانشگاه - در حال نگارش پایان‌نامه - است. موضوع پایان‌نامه وی «ارتباطات، فرهنگ و سیاست خارجی با تأکید بر دیپلماسی فرهنگی آمریکا در ایران» است.

رفتند. ما در آن دوره توانستیم حدود ۱۵ ساعت تولید شبه‌رادیویی داشته باشیم. در مورد آسیب‌شناسی رادیو می‌توان گفت که این رسانه تا اواخر دهه ۴۰ رسانه مسلط ایران بوده و همه متخصصان در فعالیتهای آن حضور داشته‌اند. با ورود تدریجی تلویزیون از حدود اواخر دهه ۶۰ میزان مخاطب رادیو بسیار افت کرد؛ (از ۴۵٪-۴۰٪ ثابت در سال ۶۸ به ۱۶٪-۱۵٪ در حال حاضر) این امر برای رادیو مسئله مهمی است. رادیو اثرگذاری‌اش را از دست داده است و رادیوئیها احساس می‌کنند که یک رقیب قوی دارند که بسیار بیش از آنها کار می‌کند و این امر باعث بوجود آمدن نوعی نگرش در آنها شده که اگر به تلویزیون بروند (مثلا در سریال زیرآسمان شهر با ۸۵٪ مخاطب) حضورشان مفیدتر خواهد بود. رادیو در حال حاضر به مکانی تبدیل شده است که افراد می‌آیند و کارآموخته می‌شوند و اگر کارشان خوب بود به تلویزیون می‌روند.

زیبایی هم از رادیو داریم که مطرح خواهم کرد. اولین تجربه خاص من از رادیو، مربوط به تابستان سال ۵۹ (از خرداد تا اول شهریور) است که در حدود ۱۷ سالگی در اهواز کارمند رادیو بودم. در آنجا هم نویسنده برنامه بودم، هم مجری و هم خبرنگار و برنامه‌های اجتماعی و سیاسی می‌ساختم. ما به اندازه کافی امکانات نداشتیم. یک ضبط صوت کاست ناسیونال بزرگ خریده بودیم و در آن مدت، ضبط سیار می‌کردیم. بعد از آن جنگ شروع شد و دیگر آن دوستان را ندیدم؛ ولی تجربه کارکردن با رادیو برای من خیلی جذاب بود. این برای شروع کار بود. در سال ۷۹ برای تأسیس یک رادیوی دانشگاهی برای پخش در دانشگاه امام صادق تلاش کردیم که کار آن هم به مطبوعات کشید و... آن ماجرا برای ما جریانی شیرین و تجربه‌ای خوب بود و نتیجه‌اش این شد که ما ۵-۶ نفر را برای رادیو تربیت کردیم. دانشجویانمان عملاً به رادیو و برخی هم به تلویزیون

چه میزان با رادیو و تلویزیون آشنایی دارید؟

به خاطر هر دو رشته، ارتباطات و تبلیغات، به رسانه‌ها توجه داشته‌ام و به این دلیل اولاً بیننده همیشگی تلویزیون بوده و نسبت به رادیو خیلی کمتر توجه دارم؛ ثانیاً روی نظریه‌های هنجاری رسانه‌ها کار کرده‌ام؛ ثالثاً در مورد سینما و نظامهای رسانه‌ای کشورهای همسایه ایران کار کرده و مقاله نوشته‌ام. در حال حاضر توجه من، بیشتر بر حوزه «اینترنت و امنیت ملی» یا «امنیت فرهنگی و اطلاعاتی» معطوف است.

رابطه تان با رادیو به چه صورت است؟ به آن گوش می‌دهید یا رادیو را رسانه خوبی می‌دانید ولی گوش نمی‌دهید؟

رادیو برای من، رسانه‌ای در حال حرکت بوده است. چهار مرتبه به ماشین من دستبرد زده‌اند و ۳ بار رادیو را برده‌اند (و بنابراین قرار گذاشتیم که فعلاً رادیو را تحریم کنیم). این‌جا رابطه امنیت اجتماعی و رسانه، خود را نشان می‌دهد. خاطرات

این وضعیت نابسامان رادیو در ایران، که توجهی به آن نیست در کشورهای دیگر اینگونه نمی‌باشد. در آمریکا و اروپا رادیو نقشی جدی دارد. در همین دوران، با وجود سیطره تلویزیونی در آمریکا، «بوش» چندین مصاحبه رادیویی داشته است. این مسئله ماست و می‌خواهیم بدانیم آیا این وضعیت طبیعی است یا غیرطبیعی؟ آیا مسیر رادیو به سمت حذف شدن است یا در حال طی کردن دوران گذر بوده و بعداً جایگاه خود را پیدا می‌کند. یعنی بحران را پشت سر می‌گذارد. تئوریه‌ها و مشاهدات خارجی می‌گوید که رادیو می‌ماند؛ شما با این مسئله چقدر موافقت می‌کنید؟

به نظر من در مورد وضعیت رادیو در دنیا، نباید نگران بود. شما نگران رادیو ما باشید. نظام رسانه‌ای ما، با نظام رسانه‌ای دنیا و رادیوی ما در مقایسه با رادیوهای دنیا، یکسری تفاوت‌هایی دارد که نهایتاً به این صورت متجلی شده است. رادیو جنس رسانه‌ای قابل حذف نمی‌باشد. اگر رسانه‌های دیگر هم حذف شوند، رادیو حذف نمی‌شود؛ چرا که مبتنی بر صوت و موج است و هنوز هیچ چیز پیدا نشده که بتواند جای آنها را بگیرد. قابل حمل و نقل بودن این امکان را برای رادیو ایجاد کرده تا یک رادیوی بزرگ، به یک رادیوی ترانزیستوری کوچک تبدیل شود. زمانی که برای پرتابل کردن تلویزیون، آنرا کوچک می‌کنید در این کوچک شدن چیزهایی به طور اتوماتیک از دست می‌رود که در رادیو از دست نرفته است. رادیو به دلیل اینکه وابسته به تصویر و صفحه نمایشگر نیست، توانست موجودیت خود را حفظ کند. این مزیت را نباید در رادیو نادیده گرفت. مزیت دوم این رسانه، ارزان بودن تولید و دریافت به نسبت سایر رسانه‌هاست. در واقع رادیو ارزان‌ترین رسانه برای سخن گفتن است. اما در بحث اینترنت، یک شیطنتی وجود دارد. شما حداقل یک سرمایه‌گذاری ۵۰۰ هزار تومانی نمی‌کنید که صرفاً از اینترنت پیام دریافت کنید. کسانی که کامپیوتر می‌خرند، متعلق به اقشاری خاص هستند و

کارکردهای دیگری را نیز در اولویت قرار می‌دهند. کارکرد رسانه اینترنت برای ایران، یک کارکرد حاشیه‌ای و دست دوم است. به علاوه، استفاده رسانه‌ای از کامپیوتر، احتیاج به هزینه جاری هم دارد، یعنی برای اتصال به اینترنت در ایران، باید حداقل ساعتی ۲۰۰ تومان پرداخت. از این نظر، اینترنت با رادیوهای دستی که با قیمت‌های بسیار پایین می‌توان آنها را خرید، قابل مقایسه نیست. امکانات تولید دیجیتال، تولید را ارزان کرده و در نتیجه، افراد، حتی می‌توانند در منزل خود یک استودیوی شخصی برای تولید داشته باشند؛ (آن چیزی که در تلویزیون هنوز بسیار گران است). در

رادیوی ایران نه صمیمی است و نه خودمانی؛ به علت اینکه ما از رادیو فاصله گرفته‌ایم؛ ما از رادیو چیزی را می‌خواهیم که رادیو نیست؛ یعنی کارکرد ضبط صوت را از رادیو می‌خواهیم.

واقع رادیو رسانه‌ای است که این قابلیت را دارد که تولید شخصی یا مصرف شخصی داشته باشد؛ به تعبیر دقیق‌تر، رادیو از دید مصرف کننده، خودمانی‌ترین، رفاقتی‌ترین و صمیمی‌ترین رسانه‌ای است که می‌تواند خلوت و تنهایی افراد را پر کند. مخاطبان برای همراهی کردن با تلویزیون، به ناچار بیدار می‌مانند، اما رادیو را می‌توان کنار بالش گذاشت و تا لحظه به خواب رفتن از آن استفاده کرد. در زمینه تولید هم، رادیو می‌تواند جزء شخصی‌ترین رسانه‌ها باشد که در آن افراد به تنهایی در نقش یک تولید کننده باشند؛ چرا که فرستنده‌های رادیویی، بسیار ارزان، کوچک و با کارایی بالا هستند. اما در زمینه پخش این قبیل محصولات، مقررات ویژه‌ای وجود دارد که موانعی را

ایجاد می‌کند. در حال حاضر، در عرصه جهانی، گسترش جهانی شدن، در رادیو مطرح است. به عبارت دیگر، نگرشی اجتماع‌گرا به رادیو مطرح است، به گونه‌ای که رادیو را مناسب‌ترین رسانه برای پخش محله‌ای (و نه محلی) قرار می‌دهد. اگر این رویکردها را در کنار آن رویکرد پخش ملی جدی بگیریم، به نظر می‌آید که رادیو به خودی خود، مشکل خاصی ندارد.

با تمام این اوصاف، اگر رادیو تا این حد صمیمی است، چرا شما به این رسانه گوش نمی‌دهید؟

من نگفتم که رادیوی ایران، رسانه‌ای صمیمی است. هنوز به آنجا نرسیده‌ایم. من راجع به رسانه صحبت می‌کنم، و می‌گویم رادیو بالقوه این قابلیت را دارد. رادیوی ایران نه صمیمی است و نه خودمانی؛ به این علت که ما از رادیو فاصله گرفته‌ایم. ما از رادیو چیزی را می‌خواهیم که رادیو نیست؛ یعنی کارکرد ضبط صوت را، از رادیو می‌خواهیم.

به طور کلی کارکردهای رادیو در دنیای امروز چیست؟

همان کارکردهای عمومی که در مورد سایر رسانه‌ها گفته می‌شود- تفریح و سرگرمی و... در مورد رادیو هم صادق است. اما وقتی که تعادل این کارکردها از نظر حجم زمانی و کیفیت برنامه‌سازی، به هم می‌خورد، کل سیستم مختل می‌شود. در عین حال، رادیو رسانه‌ای نیست که مادر یک لحظه تصمیم بگیریم، در شش ماه آینده، تغییرش بدهیم. اما وقتی عملی نشد، شش ماه بعد پروژه‌مان را عوض می‌کنیم. چون شما با هر کسی که صمیمی تر هستید، زودتر هم از او رنجیده می‌شوید. انسان با کسی می‌تواند قهر کند که با او خیلی آشتی است. مردم با رادیو قهر می‌کنند و زمانی که قهر کردند، انتخاب‌های دیگر پیدا می‌کنند.

شما مدل رادیو را با دوستی و صمیمیت ترسیم می‌کنید. در منابع داخلی و خارجی برای این مدل مستندی دارید؟

بله! کتابی که به آن استناد می‌کنم «درک رسانه‌های جمعی» (Understanding Mass Media) است که از این حوزه هم جلو رفته است.

یک مثال می‌زنم. زمانی من به همراه یکی از آشنایانم که قاضی بود، هر هفته از قم به تهران می‌آمدم. ساعت ۵:۳۰ از قم حرکت می‌کردیم و ساعت ۷ ایشان سرکارش بود. در آن زمان از ساعت ۵:۳۰ تا ۷ درس خارج فقه حوزه، از رادیو پخش می‌شد. ایشان درس خارج فقه را در حین رانندگی گوش می‌کرد با این احساس که اگر رابطه‌اش با حوزه کم شده - و قاضی است -، اما هر روز در درس خارج، شرکت می‌کند. اگر این آقا نوار این مباحث را داشت و در ضبط ماشینش می‌گذاشت، می‌توانست همان استفاده را ببرد و هیچ تفاوتی با زمانی که از رادیو گوش می‌کرد، نداشت. ما کارکردهای ضبط صوت را به رادیو تحمیل کرده‌ایم. در واقع زمانی که ما از رادیو برنامه‌هایی پخش می‌کنیم که زمان‌مند نیست، رادیو را از رادیو بودن خارج می‌کنیم. می‌خواهم بگویم که برنامه‌ای که پخش کردن آن در امروز با ۶ ماه دیگر فرقی نمی‌کند، باید شانس کمتری برای حضور در رادیو داشته باشد و باید حجم کمتری از برنامه‌های رادیو را بگیرد. مسئله دوم این است که چرا باید به رادیو گوش کرد؟ آیا رادیو می‌خواهد جای تلویزیون را بگیرد؟ من فکر می‌کنم این هم از تفکرات اشتباه است. در واقع همانطور که رادیویی‌ها ناراحت‌اند که در تلویزیون برنامه رادیویی ساخته می‌شود، باید این فکر را نیز بکنند، آیا در رادیو برنامه تلویزیونی نمی‌سازند؟! یعنی یک احساس حقارتی در رادیو وجود دارد که رادیویی‌ها می‌خواهند ثابت کنند که می‌توانند کارکرد تلویزیون را داشته باشند؛ اما رسانه‌ای که مبتنی بر صوت است و اساساً تخیل مخاطب را به کار می‌گیرد و به این علت، رسانه‌ای گرم تلقی می‌شود، اگر خیلی حرف بزند به این معناست که می‌خواهد مقداری را که قرار است مخاطب با تخیلش بفهمد، به زور به او بفهماند. در واقع پرگویی و فضا سازی بیشتر در رادیو، در جهت جبران ضعفهای اوست. پس یکی از مسائلی که رادیو باید از آن دوری کند، مسئله تطویل و پرگویی است. سومین چیزی که به شدت وضعیت رادیو را

بحرانی کرده، این ذهنیت قدیمی ماست که، رادیو رسانه بسیار مهمی است؛ در نتیجه برنامه‌های آن، از بعد سیاسی برای ما اهمیت زیادی پیدا می‌کند، درحالی‌که رادیو در کنار تلویزیون و بسیار بهتر از تلویزیون می‌تواند منعکس‌کننده تکرر موجود در جامعه باشد. به تعبیری دیگر، اگر تلویزیون را رسانه مسلط بدانیم، یعنی می‌توانیم انتظار رسمیت بیشتری از تلویزیون داشته باشیم، برای اینکه خود تلویزیون هم این را باور کرده است. اگر واقعاً اهمیت رادیو کمتر شده، پس می‌تواند خود را از قید و بند

اگر شما تکرار ضعیف تلویزیون

هستید و همان حرفهایی را

می‌زنید که در تلویزیون

می‌زنند با این تفاوت که آنها

تصویر هم دارند ولی شما

ندارید، چرا مردم باید شما را

انتخاب کنند؟!

تعلقات و چارچوبها و هنجارهای سیاسی خشک، رها کند. در واقع رادیو بهتر از تلویزیون می‌تواند تکرر نظرات و طبقات موجود در جامعه را منعکس کند، اما در این زمینه بسیار محتاط عمل می‌کند.

اینکه می‌گویید «به دلیل اینکه نقش اصلی را ندارد، می‌توان از او انتظاری خاص - که به همه چیز توجه کند، و همه ملاحظات را داشته باشد و فکر همه جا را بکند - را نداشت»، این کارکردها را صرفاً در حوزه ملی و برای ایران مطرح می‌کنید یا در عرصه جهانی هم می‌توان آنرا مطرح نمود؟ مثلاً «تطویل» شاید کارکردی جهانی داشته باشد، اما آسیب شناسی‌اش را ملی می‌بینید. آیا در عرصه جهانی می‌توان اینگونه انتظاراتی از رادیو داشت یا تنها برای ایران قابل طرح است؟

☞ به نظر من، این مطالب را می‌توان در هر

دو سطح بیان نمود، اما در ایران خیلی بیشتر معنی دارد. در اینکه رادیو در بسیاری از اوقات نقش رسانه جایگزین (media Alternative) را بازی می‌کند، شکی نیست. مثل سایر کشورها، رادیو باید در ایران هم رسانه اقلیتها باشد، نه اینکه لزوماً به هر اقلیتی موج بدهیم. ولی من فکر می‌کنم بسیار خوب است که مسیحیان ایران، یک ساعت برنامه در رادیوی ملی داشته باشند. بسیار خوب است که اهل سنت ایران، برنامه‌های مذهبی اهل سنت را در رادیوی زاهدان داشته باشند. پس در جامعه‌ای که مثل جامعه ایران پیچیدگی‌های خاصی دارد، رادیو امکان مناسبی برای بزرگداشت تفاوتهاست. این عبارت، کلید بقای رادیوست و نکته‌ای درون خود دارد، در صورتی که رادیو در این راه گام بردارد، آنگاه در زمره رسانه‌های اصلی قلمداد می‌شود؛ منتها رسانه اصلی تفاوتها، نه رسانه اصلی یکسان‌ساز. این یک رویکرد سیاست‌گذارانه است که هم رادیو را نجات می‌دهد، هم جامعه و هم سیاست را. اگر تلویزیون بسیار مهم است و پول زیادی برای آن خرج می‌شود، لاقلاً اجازه داده شود، آن حرفهای دیگر که تا به حال در جامعه رسانه‌ای شنیده نمی‌شد، امکان ورود پیدا کند. آیا این وحدت ملی و امنیت ملی را خدشه دار می‌کند؟! من می‌گویم خیر.

اگر این حرفها به سمت تلویزیون، مطبوعات، کتاب، سینما، و... برود، شاید شاهد اتفاقات ناگواری باشیم. بنده این مقوله را در سطح سینما بسیار خطرناک می‌دانم؛ یعنی سینما را عامل شکست وحدت ملی میدانم، ولی رادیو می‌تواند این صداهای متنوع را در تمامیت خود بگنجاند و هضم کند.

چرا مطبوعات نمی‌توانند این کار را انجام دهند؟

☞ این امر دقیقاً به خاطر ماهیت خصوصی مطبوعات و ماهیت عمومی رادیوست. به دلیل اینکه رادیو هم یک حاشیه امنیت بسیار بزرگ دارد و هم اینکه کلیتاً در اختیار یک فکر است. مطبوعات از خود



چیزی که به شدت وضعیت رادیو را بحرانی کرده، این ذهنیت قدیمی ماست که رادیو رسانه‌ای بسیار مهم است؛ در نتیجه برنامه‌های آن، از بعد سیاسی برای ما اهمیت زیادی پیدا می‌کند، در حالیکه رادیو در کنار تلویزیون و بسیار بهتر از تلویزیون می‌تواند منعکس کننده تکثر موجود در جامعه باشد.

موجود در جامعه، در رادیو وجود داشته- باشد(حتی اگر در قالب گفتگو باشد)، نکته‌ای کلیدی است. برنامه «گستره شریعت»، به عنوان یک برنامه تلویزیونی بسیار نامناسب است، ولی تجربه نشان داده که صورت رادیویی آن مطلوب است. من حدود ۶ ماه عضو شورای مناظره رادیو بودم ولی آنرا رها کردم، برای اینکه برایم ثابت شد که رادیو به اندازه کافی شهامت این کار را ندارد. من در مصاحبه دیگری هم گفته‌ام که مباحث گفتگویی رادیو، برد بسیار خوبی می‌تواند داشته باشد، اما به شرط اینکه رادیو نخواهد از آن نتیجه بگیرد. هر که در آن گفتگو ببرد، رادیو برده است. اگر رادیو بخواهد طوری بازی را طراحی کند که حتماً آن فردی که او می‌خواهد، برنده شود، این تقلب در بازی، اطمینان را نه تنها در مخاطب از بین می‌برد، بلکه موجب سلب اطمینان طرف بازنده نیز می‌شود؛ یعنی دیگر افراد به رادیو نمی‌آیند. یک طیف حاکم بر کشور رادیو را تحریم کرده و از این تحریم سود می‌برند، چرا؟ چون احساس می‌کنند که با آنها بازی شده و واقعا نه اینکه بازی نشده باشد. به نظر من اگر بزرگداشت تفاوتها کارکرد اصلی رادیو باشد، شانس بقایش بسیار بیشتر از تلویزیون است و تا وقتی تلویزیون بخواهد به رادیو برسد، سالها طول می‌کشد.

باید فرضاً سه شنبه صبح ساعت ۹-۱۰، برنامه ویژه یکی از اقلیت‌ها را داشته باشیم، به واسطه اینکه درصدی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند.

برنامه ویژه، خیر! قطعات کوتاه را به آنها واگذار کنید. زمانی بحث این است که تولید برنامه‌ای را به اهل سنت یا یکی دیگر از اقلیتها می‌دهیم که مخاطب آن برنامه خود آنها هستند، این در حوزه رسانه‌های محلی است. من راجع به برنامه‌ای صحبت می‌کنم که اقلیتها تولید می‌کنند نه برای اینکه خودشان مصرف کنند. در واقع به اقلیت‌ها اجازه می‌دهید که با بقیه حرف بزنند. یک اقلیت برای آنکه بخواهد با خود حرف بزنند، هیچ وقت از رادیو استفاده نمی‌کند؛ رسانه‌های درون‌گروهی خود را می‌سازد و پیش می‌رود.

وقتی تصور برخی افراد این است که هر-گونه حرکت بیرون از وحدت ملی، شکننده است و به طور کلی اقلیتها اجازه نمود پیدا نمی‌کنند، با این سیاست، رادیو چه کاری می‌تواند انجام دهد؟

شما می‌توانید به اقلیتهای قومی و قشرهای مختلف اجتماعی هم این امکان را بدهید. زمانی برنامه «کار و کارگر» دقیقاً وقت ناهار و استراحت کارگران از رادیو پخش می‌شد. نمی‌دانم که الان این برنامه پخش می‌شود یا نه. این کار معنی داشت. می‌توان اینها را دوباره احیا کرد. حرکت به سوی اینکه امکان دهیم که تفاوتهای

کلیتی ندارند. ما مطبوعه داریم نه مطبوعات؛ اما رادیو یک وحدت وجودی دارد. مایک رادیو داریم. آن موزائیکهایی که در آن ساخته می‌شود، در واقع کاسه مذاش معنا دارد و پخت و پز شما، کلیتش معنا می‌دهد. جزئیاتش را هم افراد جزئی تولید کرده، افراد جزئی هم مصرف می‌کنند. در واقع رأس هرم ملی است و اگر «سر» ملی به «جزا»، امکان بروز و ظهور داد، وحدت ملی تقویت می‌شود.

یعنی این سیاست، در کشورهایی که علاوه بر وحدت در برخی زمینه‌ها، ناهمگونیهای زیادی نیز دارند، از یکسو اجازه تنوع و تکثر را می‌دهد و از سوی دیگر، به تقویت وحدت ملی می‌انجامد و البته باتوجه به اینکه شما شرط عمومی بودن رادیو را نیز گذاشتید.

من راجع به رادیوهای خصوصی بعداً بحث خواهم کرد. در حال حاضر بحث من این است که چگونه می‌توان این رادیو را نجات داد؛ برای اینکه می‌تواند هویت‌ساز باشد و چیزی در او وجود دارد که در جای دیگر یافت نمی‌شود. به نظر من این نکته بسیار مهمی است. اگر شما تکرار ضعیف تلویزیون هستید و همان حرفهایی را می‌زنید، که در تلویزیون می‌زنند با این تفاوت که آنها تصویر هم دارند ولی شما ندارید، چرا باید شما را انتخاب کنم؟! پس با دیدی که شما دارید عملاً اگر ما نقطه تمرکزمان را از روی همه برداریم و رادیو را بیاوریم به سمت رسانه تفاوتها،

